

دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت

(اسلام و ایران)

قبول اسلام گروهی از ایرانیان در حیات حضرت رسول

از روزی که نامه حضرت رسول برای دعوت به دین اسلام در شهر مداین تسلیم خسرو پرویز، آخرین شهریار مقتدر سلسله ساسانی شد تا روزی که بادان، مرزبان ایرانی عربستان جنوبی، بجای اجرای دستور خسرو راجع به دستگیری و اعزام رسول اسلام به درگاه پرویز، قبول دعوت کرد و اسلام آورد، بیش از چند ماهی فاصله زمانی پیدانشد. در همین فاصله کوتاه مدت بود که نامه های دیگر پیغمبر برای دعوت جهانیان به دین اسلام، در ولایات غربی و جنوبی خلیج فارس به دست مرزبانان بحرین و عمان رسید و بدانها جواب موافق فرستادند. بدین ترتیب دین اسلام که در بیست سال اخیر از سلطنت پرمجازی خسرو پرویز، در ناحیه شمالی از مرزبانی جنوب عربستان، یعنی در شهرستان یثرب که بعد به مدینه رسول موسوم گشت، ظهور و نشوونما یافته بود در میان قبایل عرب مجاور آن سرزمین که غالباً اتباع دولت ساسانی محسوب میشدند، وحدت کلمه و عقیده بوجود آورده و در آخرین سالهای پادشاهی خسرو، در سه ناحیه عرب نشین بحرین و عمان و یمن از ممالک تابع حکومت ساسانی نفوذ پیدا کرده بود.

تمسك عنصرايراني به اسلام

اقبال ایرانیان در این نواحی به قبول دین جدید تا درجه ای محکم و ریشه دار

بود که پس از وفات پیغمبر و بازگشت قبایل عرب از دین جدید، اینان بر کیش تازه خود وفادار و پایدار بماندند و با مرتدین قلمرو سکونت خویش، از اعراب، جنگ کردند و آنان را ناگزیر به قبول پرداخت زکات ساختند، چنانکه مسیلمه کذاب مدعی نبوت دربر خورد با مسلمانان ایرانی بقتل رسید.

در حقیقت پیش از آغاز جنگ مابین ایران و عرب، در مرزهای بین النهرین دین اسلام در میان ایرانیان مقیم یمن و حجاز و عمان و بحرین پیروان مؤمن و دلیر و ثابت قدمی به دست آورده بود که عده‌ای از آنان در جزو یاران پیغمبر بشمار می‌آمدند.

اسلام دین دنیا و عقبی

دین اسلام چنانکه میدانیم تنها یک روش مخصوصی از خداپرستی و عبادت و مسائل اخلاقی ساده نبود که بکار عقبای تنها بخورد، بلکه یک سازمان متشکل اجتماعی و سیاسی و مذهبی بود که برای تأمین سعادت دنیا و آخرت پیروان خود برانگیخته شده بود و از همان آغاز مهاجرت مسلمانان شهر مکه بمدینه، شامل مسائل حقوقی و قضائی مربوط به تأمین روابط مسلمانان مهاجر با بومیان مدینه و همچنین تحکیم روابط برادری دینی میان پیروان اسلام گشته بود.

آغاز قضاوت در اسلام

قرآن حق حکومت مسلمانان را بایکدیگرو یا با نامسلمانان حجاز برعهده پیغمبر نهاده بود. خود پیغمبر انجام میداد. ولی بعد از توسعه قلمرو دین و اسلام آوردن اهل یمن از ایرانی و عرب، اعزام نایبی از طرف رسول برای کارهای قضاوت آنجا ضرورت پیدا کرد و علی بن ابی طالب از جانب رسول برای دعوت و ولایت و قضاوت به یمن فرستاده شد.

نخستین دستور قضائی

نخستین دستوری که راجع به تنظیم کار دادرسی از طرف رسول در موقع اعزام علی که خود را برای انجام چنین کار دشواری هنوز جوان و کم تجربه میدانست، صادر شد، این بود که فرمود دربر خورد با دوطرف دعوی، رعایت بیطرفی کامل را بکند و

بسختان هردو، درست گوش فرابدهد و برفق کتاب خدا و گفتار و کرداری که از پیغمبر بیاد دارد حکم کند و هر گاه برای دادن رأی زمینه‌ای از کتاب و سنت وجود نداشت به اجتهاد و استنباط خود رأی را صادر کند و در ضمن به او دعای خیر کرد که با روشندلی و روشن بینی انجام وظیفه کند.

نخستین قاضی مسلمان

علی در این سفر که نخستین مأموریت قضائی او در راه اسلام بود چندان شهامت و امانت و صلابت و تقوی و فضیلت به کار بست که مایه تعلق خاطر مخصوص آزادگان ایرانی و قبایل یمن به او شد و معلوم است که ارزش چنین خدمتی برای ایرانیان برگزیده که ابناء الاحرار خوانده میشدند بیش از قبیله همدان و قبایل دیگر آن بوم و بر بوده است. علی در این مأموریت تنی چند از همراهان خود را که چشم امید به مال مردم داشتند و به آرزوی تحصیل درآمدی از خانه بیرون آمده بودند، در نتیجه اجرای عدالت مطلق و صلابت رأی، ناراضی کرد و چون برای گزاردن حج حجة الوداع به مکه باز آمد و به همراهان حضرت رسول پیوست، آزردهگان سفر یمن کله سختگیری او را به پیغمبر بردند. پیاداش این فداکاری و خلوص عقیده در خدمت به دین اسلام، در محل غدیر خم، پیغمبر او را به احراز مرتبه ولایت، پاداش معنوی بخشید و این موضوعی است که همه مسلمانان در هر زمانی با او موافق بوده و قبول داشته‌اند، منتهی در تعبیر و تفسیر مصداق این ولایت اختلاف نظری پیش آمد.

اسلام و ایرانیان یمن

اسلام از لحاظ جغرافیائی دینی است که در مرزبانی جنوب عربستان یا یمن ظاهر گشت و شامل حجاز و همه سواحل دریای سرخ تا خلیج ایله میشد. این مرزبانی از توابع مستقیم دولت ساسانی بود که بوسیله مرزبان اعزامی و سرباز و مأمورین ایرانی اداره میشد. طول مدت اقامت، هزارها ایرانی را که دور از بوم و بر اصلی خود (دیلم و مازندران) در اقلیمی مشابه بسر میبردند، وادار کرد که با قبول همسرا از مردم محلی، يك نسل مختلط پارسی و تازی بوجود آورند که در عهد خسرو پرویز دیگر غالب آنان

زبان فارسی را فراموش کرده و به عربی سخن میگفتند . مسلم است در طی نیم قرن شماره آنها از چندین هزار تن هم گذشته بود و ارکان اصلی نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران در یمن و سواحل خلیج عربی یا دریای احمر بشمار می آمدند .

سبقت اسلام ایرانیان یمن بر غالب قبایل عرب

در مدت بیست سال اول از دعوت اسلامی تنها کسانی این دین را پذیرفتند که در حجاز و پیرامون آن بسر میبردند . این نواحی از طرف شمال محدود به قلمرو جدید حکومت ایران در فلسطین و مصر و از مشرق به مرزبانیهای عمان و بحرین و حیره و از طرف جنوب محدود به یمن و حضرموت بود که همه از توابع مستقیم دولت ساسانی محسوب میشد . بدین ترتیب اسلام دینی بود که در قلمرو حکومت ایران بوجود آمد و پیش از آنکه در خارج قلمرو حجاز یا عربستان کسی غیر از نژاد عرب بدان بگردد ایرانیان بحرین و یمن و حجاز بدان گرویده و مسلمان شده بودند .

اسلام ایرانی پیش از رومی و حبشی و نبطی و قبطنی

با وجودیکه خسرو پرویز پس از دریافت دعوت نامه حضرت رسول، رفتاری دوزاخ مجامله، بانامه و فرستاده او کرد و قیصر روم و نجاشی حبشه و مقوقس مصر در جواب مکتوب پیغمبر بر خلاف کسری نژاکت و حسن تلقی بیشتری نشان دادند ، ولی هرگز پیش از اسلام آوردن ایرانیان بحرین و عمان و یمن ، جز صهب رومی و بلال حبشی، نامی از یک مسلمان دیگر رومی و حبشی و مصری در عهد رسول نمیروند ، در صورتیکه پیش از وفات پیغمبر، شماره ایرانیان تازه مسلمان در یمن و بحرین و عمان چندین هزار تن بالغ میشده است .

بنابراین ایرانیان بعد از طوایف اوس و خزرج یهودی نژاد، قدیمترین پیروان غیر عربی اسلام محسوب میشوند که بدون هیچگونه مقاومت یا تأملی، مسلمان شدند و همه آثار خوب و زشت دیانت سابق خود را در محل توقف خویش از میان بردند. چنانکه هرگز در عهد رسول و خلفاء ، مثلاً سخن از وجود آشکندهای در یمن و بحرین و عمان نمیروند که مشمول قرار و مداری از تعطیل و تحویل قرار گیرد .

علی و ایرانیان یمن

بنابر آنچه گفته شد نخستین اثر قضاوت اسلام در خارج از شهر مدینه همان قضاوت علی بن ابی طالب در قلمرو مرزبانی یمن بوده که ایرانیان و تازیان تازه مسلمان آن سرزمین را با اتفاق شامل میشد و عجب است که این گروه بر مردم مکه که موطن اصلی رسول و رسالت او بوده است از حیث قبول دین و قضاوت اسلامی اندکی تقدم داشتند.

ایران و حکومت رومی

این آشنائی و حسن پذیرائی مقدماتی ایرانیان مهاجر نسبت به دین و کتاب جدید، راه را جهت نفوذ سریع اسلام در سرزمین پهنای ایران که از کنار خلیج عربی تا ساحل خلیج فارس و شبه جزیره کاتیا و ارواز کنار دریای سیاه تا دامنه های غربی و شمالی پامیر امتداد داشت، بسهولت گشود و تأثیر مستقیم این امر در پیشرفت اسلام به درجه ای بود که در مدت کمتر از ده سال قسمت غربی و جنوبی ایران از فلات ارمنستان تا جزیره لافت (قشم) و جرون (هرمز) بر حوزه حکومت اسلامی که مرکز آن در مدینه بود، افزوده شد و مردم غالب شهرها و شهرستانهای این منطقه با مذاکره صلح و انعقاد قراردادهای جداگانه پیوستگی خود را به این حکومت دینی اعلام کردند.

از آنجا که بعد از جنگ نهاوند و عقب نشینی یزدگرد به مرو که متأسفانه بهیچوجه از طرف مردم ناهربان و بودائی مشرب خراسان مورد حمایت و پشتیبانی قرار نگرفت، حکومت ساسانی در حقیقت از کار افتاده و شهرهای بزرگ طیسفون و شوشتر و استخر و اصفهان و همدان و رومی ضمیمه قلمرو حکومت اسلامی شده بود. بدین سبب باید کیفیت کلیه سازمانهای اجتماعی و اداری و سیاسی ممالک غربی ایران ساسانی را از اواخر خلافت عمر بیعده در ضمن اوضاع کلی حکومت اسلامی جست و بدست آورد.

امرفضایا به تعبیر امروز «دادگستری» که در عهد ساسانیان بوسیله موبدان و در تحت ریاست «موبدان موبد» و بروفق تعلیمات هفت نسل از اقسام زند و اوستا انجام می پذیرفت، در این زمان تغییر ماهیت و جهت داد و بر اساس قرآن و سنت و اجتهاد و استنباط، بواسطه قاضیان و والیانی انجام میگرفت که از طرف خلیفه یا نایب او در بصره

و کوفه بدین وظیفه گماشته میشدند .

بصره و کوفه مرکزهای امتزاج ایرانی و عرب

شهرهای نوساز کوفه و بصره که در جوار شهرهای باستانی حیره و ابله، در آغاز ورود اعراب مسلمان به بین‌النهرین ساخته شده بود ، دومر کز مهم قضای اسلامی در عراق شدند و سلمان فارسی و ابن مسعود از صحابه رسول، دو پیش‌آهنگ این وظیفه در کوفه بودند . علی بن ابی طالب نخستین قاضی اسلام در حیات رسول اکرم که او را افضی القضاة میشناختند پس از تعهد خلافت مرکز عمل حکومت خویش را از مدینه به بصره و کوفه آورد و در اجرای عدالت چندان اهتمام ورزید که مرکز قضاوت کوفه بعد از آن حضرت کانون مکتب بزرگ فقه اسلامی شناخته شد .

کوفه کانون فقه و قضاوت

ابوحنیفه و دست‌پروردگان او که برخاسته این مکتب بودند، در روزگار خلافت عباسیان کار قضا را در سراسر قلمرو خلافت عباسی پیر و اصول مقررات مکتب کوفه کردند. شهر مدینه با همه جلالت قدری که داشت و در آن صحابه و تابعین بنیاد علم دین رانهاده بودند و امام جعفر صادق سالیان دراز در آنجا مرجع مسلم و معتبر مسلمانان عراق و حجاز برای حل مشکلات دین بود و بعدها مالک در آنجا مکتب فقه مالکی را برقرار ساخت ، بازار حیث نفوذ در دستگاه قضائی خلافت اسلامی از کوفه و بصره عقب ماند . معروفترین قاضی مکتب کوفه پس از ابن مسعود و حضرت علی همانا شریح قاضی بود.

ابوحنیفه

ابوحنیفه که عمری دراز کرد و در دوران چند خلیفه عهده‌دار وظیفه قضاوت بماند بر اساس اجتهاد ابن مسعود و استنباط از سرچشمه افادات حضرت جعفر صادق شکل خاصی از دادرسی را بوجود آورد که بعداً مورد توجه و عنایت خاص قضات در سراسر ممالک اسلامی قرار گرفت .

باید در نظر داشت که روش عمل قاضیان در ممالک شرقی خلافت اسلامی بر همین اساسی بود که در مکتب قضاوت کوفه طرح شده و صورت مذهب فقه حنفی را گرفته بود.